

آن روزها...

«اجتماعی»

تدوین و تالیف

داود محمدی فرد

طراح و صفحه آرا

نوشین زندجو



سرشناسه : محمدی فرد، داود، ۱۳۵۲ -
 عنوان و نام پدیدآور : آن روزها ... اجتماعی / تدوین و تألیف داود محمدی فرد؛
 طراح و صفحه آرا : نوشین زندجو.
 مشخصات نشر : تهران : لنگرآن ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۱۲۸ ص. : مصور (رنگی).
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۵۵۶۶-۹-۶
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : محمدی فرد، داود، ۱۳۵۲ - - - - - خطرات
 موضوع : شاگردان ابتدایی - ایران
 موضوع : کتاب های درسی - ایران - - - مصور
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۲/۳۲۸۳/۵ LB۳۶۰۵
 رده بندی دیویی : ۳۷۸/۱۹۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۹۶۹۵۶

حق چاپ برای مولف محفوظ است

تلفن : ۰۹۱۲۱۹۶۰۲۱۴-۸۸۸۹۹۶۸۰

دریافت نظرات از طریق پیام کوتاه ۰۹۱۲۲۹۶۰۷۸۳

بخشی از هوایند حاصل از فروش این کتاب صرف کمک آموزشی به کودکان مناطق محروم خواهد شد

.....

آن روزها...

اجتماعی

تدوین و تألیف: داود محمدی فرد

طراح و صفحه آرا: نوشین زندجو

چاپ اول: بهار ۱۳۹۲

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۹۵۵۶۶-۹-۹ ISBN

.....

قیمت ۴۵۰۰ تومان

یادداشت مولف

کودکی از پدیده‌هایی است که می‌تواند تا آخر عمر مثل یک عضو از وجود باقی بماند هر وقت هم یادش می‌افتی انگار که در غربت غذایی از دستپخت مادر داری که هر چند وقت یکبار گرمش می‌کنی و می‌خوری با همان طعم خانه و آشپزخانه مامان! هر عکس، شی، مژه، پر و... از آن دوران شاخه‌ای می‌شود برای پرواز کبوتر خیال به آسمان ساده و آبی آن روزها!

و مدرسه پر از این هاست...

کتاب‌های درسی آن دوران همشون خاطرات و حوادث مدرسه و کوچه و خانه بودند. تصاویر و نقاشی‌ها در برگ‌های کتاب‌ها تنها سندی بودند که تا کنون مانده‌اند که با هر نگاهی یادآوری می‌کنند.

• معلم، ناظم، مدیری که هم اکنون آتش اشتیاق دیدارشان هیچ نسبتی با آن روزها ندارد.

• روزهای تلخ یا شیرینی که سرنوشت‌شان را رقم زدند اما به راحتی از آن عبور کردیم.

• تلاش‌های پدر یا مادری زحمتکش که اکنون دیگر نیستند یا اگر هستند گرد پیری، گرداگرد وجودشان را گرفته.

• دوستانی که آمدند و رفتند و فقط تصویری از آنها در ذهن نقش بست و دوستانی که هنوز هم دوست هستند.

• نمره، تنبیه، تشویق و سخی‌های یادگیری.

• بازی‌ها و شیطنت‌هایی که گذر زمان را چندین برابر می‌کردند.

• احساس بزرگ شدن و فهمیدن و جدی شدن لحظه به لحظه زندگی را.

یاد آن روزها وجود را میهمان حسرتی لذت بخش می‌کند و دیداری است با همان بخش از وجود که همیشه باید بماند تا معصومیت زندگی را یاد آور شود.

تقدیم به او که آن روزها

خیلی دوست داشتیم دیر بیاید

و یا اصلاً نیاید

ولی می آمد

جدی و سخت گیر

مرتب با عطری ویژه

چقدر سعی می کردیم اسم کوچک یا محل سکونت او را بدانیم

نمی شد که نمی شد!

.

.

دیدنش در خارج از مدرسه زیباترین حادثه بود

.

اکنون خیلی دوست داریم یک بار دیگر او را ببینیم

گرچه گذر زمان ته چهره ای از او در خاطر نشانده

ولی معلم مان را از دور هم می شناسیم